

راهبرد وحدت در مکتب رهبر شهید!



پس از شهادت رهبران بزرگ، معمولاً افکار عمومی بیش از هر چیز به مفهوم «انتقام» می‌اندیشد؛ اما اگر این مفهوم تنها در چارچوب پاسخ نظامی یا امنیتی محدود شود، بخش مهمی از فلسفه راهبردی آن نادیده گرفته خواهد شد. در منطق مقاومت، انتقام مفهومی چندلایه است و هر لایه آن متناسب با اهدافی تعریف می‌شود که دشمن در پی نابودی آن بوده است.

دشمن هنگامی که رهبران تأثیرگذار امت اسلامی را هدف قرار می‌دهد، صرفاً حذف یک شخصیت را دنبال نمی‌کند؛ بلکه می‌کوشد سرمایه اجتماعی، انسجام دینی، اعتماد عمومی و همبستگی امت را دچار فرسایش کند. از همین رو، هر اقدامی که این اهداف را خنثی سازد، بخشی از فرآیند حقیقی انتقام به شمار می‌آید.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های انتقام خون رهبر شهید، حفظ و تقویت وحدت است. وحدتی که تنها به معنای همزیستی مذاهب اسلامی نیست، بلکه همه ساحت‌های انسجام ملی و امت اسلامی را دربرمی‌گیرد؛ از همگرایی اقوام و مذاهب در داخل کشور گرفته تا تقویت پیوند میان جریان‌های مختلف

جهان اسلام. اگر دشمن با ترور، به دنبال گسترش بی‌اعتمادی، چندصدایی، مخرب و شکاف‌های اجتماعی باشد، پاسخ راهبردی آن، افزایش همدلی، هم‌افزایی و انسجام خواهد بود.

این نگاه، مفهوم انتقام را از یک واکنش مقطعی به یک پروژه تمدنی ارتقا می‌دهد. همان‌گونه که خون شهیدان سرمایه استمرار یک مسیر تاریخی است، صیانت از وحدت نیز ضامن حفظ همان سرمایه خواهد بود. هر اندازه انسجام جامعه اسلامی افزایش یابد، اهداف طراحان ترور دورتر و هزینه‌های آنان سنگین‌تر خواهد شد.

در چنین چارچوبی، وحدت نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک ضرورت راهبردی است. جامعه‌ای که گرفتار شکاف‌های قومی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی شود، بخشی از توان خود را در نزاع‌های داخلی مصرف می‌کند و فرصت پیشرفت، تولید قدرت و ایفای نقش تمدنی را از دست می‌دهد. در مقابل، جامعه‌ای که اختلاف‌نظرها را در چارچوب عقلانیت و مصالح کلان مدیریت کند، سرمایه اجتماعی خود را به قدرت ملی و قدرت امت تبدیل خواهد کرد.

از همین رو، امروز همه جریان‌های سیاسی، نخبگان فرهنگی، رسانه‌ها، مراکز علمی و فعالان دینی مسئولیتی مضاعف بر عهده دارند. آنان باید مراقب باشند که هیچ رفتار، گفتار یا تصمیمی به شکاف‌های جدید دامن نزنند؛ زیرا هر شکافی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که دشمن برای تحقق اهداف خود به آن امید بسته است.

اگر انتقام را در منظومه فکری مقاومت معنا کنیم، روشن می‌شود که پاسخ به خون رهبر شهید تنها در میدان نبرد خلاصه نمی‌شود. ساختن جامعه‌ای منسجم‌تر، افزایش همگرایی میان مذاهب اسلامی، تقویت وحدت ملی، ارتقای سرمایه اجتماعی و نزدیک‌تر شدن امت اسلامی به آرمان عدالت و تمدن اسلامی، همه از مصادیق انتقام حقیقی‌اند؛ انتقامی که نه در گسترش اختلاف، بلکه در خنثی‌سازی کامل اهداف دشمن و حفظ میراث شهیدان معنا پیدا می‌کند.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب

